

مسیر راه عشق

معصومه تیموری

[۲۰:۰۰، ۱۵/۹] معصومه: سرشناسه : تیموری جروکانی، معصومه، ۱۳۶۱ -

عنوان و نام پدیدآور : مسیر راه عشق [کتاب] / نویسنده معصومه تیموری.

ویراستار : مریم داورداد

مشخصات نشر : تهران: آبانگان ایرانیان، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری : ۶۴ ص. مصور؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک : ۹۷۸-۹۷۲-۶۳۹۲-۲۴-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : عشق

رده بندی کنگره : ۵۷۵BF ۵/۴ ت ۹۳

رده بندی دیویی : ۴۱/۱۵۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۰۰۴۹۴

مسیر راه عشق

معصومه تیموری جروکانی

انتشارات: آبان خان ایرانیان

ویراستار: مریم داورداد

صفحه آرا و طراح جلد: مریم داورداد

چاپ و صحافی: ایرانیان

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: تومان ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۷۲-۶۳۹۲-۲۴-۲

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدی، پلاک ۹،

واحد ۹

تلفکس: ۶۶۴۲۴۲۱۱ - کد پستی: ۱۳۱۳۹۶۵۳۷۱

پست الکترونیک: Bankketab1388@gmail.com

فروشگاه اینترنتی: www.bankketab.com

حق چاپ برای ناشر و نویسنده محفوظ است

فهرست

مقدمه: ۴

فصل اول

عشق چیست؟ ۸

چرا انسان نیازمند عشق است؟ ۱۱

آیا می‌دانی احساس چیست؟ ۱۱

فصل دوم

عاشق واقعی کیست؟ ۱۵

فرق بین عاشق واقعی و غیر واقعی ۱۷

خصوصیات عاشق واقعی و عشق واقعی ۲۹

فصل سوم

باورهای غلط درباره عشق چیست؟ ۳۳

خصوصیات عشق بی قید و شرط چیست؟ ۴۹

فصل چهارم

تداوم در عشق ۵۹

سخنان بزرگان در رابطه با عشق ۶۳

کتاب نامه ۶۴

مقدمه:

حقیقت این است که زندگی ما از آغاز تا فرجام، با عشق آمیخته شد است. شاید بتوان عشق را در درون آدمی امری ذاتی و غریزی دانست. اگر نیروی عشق ورزی در جان انسان نهفته نبود انتظار عشق ورزی از ذات خداوندی هم نمی‌رفت.

هر چه به خدا نزدیکتر است از نیروی عشق ورزی بیشتری هم برخوردار می‌باشد. و اما روزگاری که عشق و فلسفه عشق برای من یکی از بزرگترین مسائل زندگی به شمار می‌رفت، احساس می‌کردم عشق را تجربه کرده‌ام و با خود می‌گفتم عشق انسان را ضعیف می‌کند و روح را آزار می‌دهد، عشق یعنی حماقت و داشتن احساسی که تو را کوچک کرده و کمرب را خم می‌کند و به تو اجازه رشد و نمو نمی‌دهد زیرا احساس نیز با می‌شکند. آری، احساسی که مرا می‌شکست و ضعیف می‌کرد و با منی که تعبیر من از عشق اینگونه بود همیشه شکایت می‌کردم که خدایا چرا این احساس را آفریدی؟ و مدام از داشتن این احساس و اینکه دیگران را دوست دارم، خود را سرزنش و دلم را توییح می‌کردم و در دادگاه ذهن، احساسم را سرکوب و به حبس ابد و گاهی اعدام محکوم می‌کردم و هر روز این رنج را به دوش می‌کشیدم که آدم

های احساساتی افرادی ضعیف هستند؛ لذا تظاهر به بی احساسی کرده و اولین گام را برای قدرتمند شدن، حذف این احساس از ذهنم می‌دانستم.

هر چه می‌گذشت این حس را بیشتر سرکوب می‌کردم و افکارم را تقویت می‌کردم اما باز هم آرام نمی‌شدم تا اینکه تصمیم گرفتم ویژگی‌های مثبت این حس را بنویسم، آن زمان بود که به نتایج جالبی دست یافتم.

اگر احساس نداشته باشی زیبایی‌ها را فقط می‌بینی اما هیچگاه آن‌ها را درک نمی‌کنی و از آن لذت نمی‌بری.

اگر احساس نداشته باشی قادر نخواهی بود تا انرژی‌هایی را که از طریق احساس به تو می‌رسند دریافت کنی.

اگر احساس نداشته باشی با سنگ هیچ تفاوتی نداری.

اگر احساس نداشته باشی دلتنگ محبوب نمی‌شوی و شوق دیدار و لذت حضور او را تجربه نخواهی کرد.

اگر احساس نداشته باشی همیشه تظاهر به خوشحالی می‌کنی اما به واقع از درون خوشحال نیستی و فقط شادی را تظاهر می‌کنی اما آن را احساس و درک نمی‌کنی و من از آن پس به این حس و به خودم عشق ورزیدم. آن زمان بود که به قدرت و نیروی عشق پی بردم و معمای شگرف و پیچیده عشق را فهمیدم و بر آن شدم

تا با کمک خداوند در این زمینه و با توجه به اطلاعات خود، کتابی
زیبا در وصف عشق بنویسم.

جا دارد اینجا از همه کسانی که در گردآوری و ارزیابی این اثر به
من کمک کردند قدردانی و تشکر کنم.
معصومه تیموری